

هنر اسلامی هنری است که براساس ابتکار و ابداع و کشف و شهود بوجود آمده و سیر تکامل و تحول را پیموده است و ریشه‌هایش در توحید و معیارهایش بر معاد استوار است.

هنر اسلامی حقایق در مورد فنون هنرهای اعصار ماقبل و هم عصر خود را نفی نمود و مجذوب آنها نیز نشد بلکه عناصری از آنها را در خود جذب کرد و به آنها کیفیت و هویت اسلامی داد.

مهندس آیت... زاده شیرازی

بررسی هنر فلزکاری در دوران سلجوقی

● داستان هنر اسلامی با بانک بلند پیروزی (الله اکبر) آغاز گردید. سپاهیان اسلام به پیروی از پیامبر دست به جهاد زدند. ایمان ایشان به خدا بیم مرگ را از دلشان زدوده بود و همین امر موجب گردید تا دامنه نفوذشان از طرف شمال به سوریه و مصر و کرانه‌های شرقی مدیترانه و تا اسپانیا گسترده شود. و از سوی شرق تا ایران شهرهاییکی پس از دیگری تسلیم سپاهیان اسلام شدند و به زودی از رود جیحون در مرزهای شرقی ایران گذشتند و به دشتهای آسیای برای گشودن بخارا و سمرقند لشکر کشی کردند. تا سال ۹۲ هجری پیشتازان آنها به مرکز هند رسیدند، و دره سفلی سند را تسخیر نمودند. از اینرو می توان گفت که صدسال پس از رحلت پیامبر قلمرو اسلام از هند تا اسپانیا را فرا گرفت. زبان قرآن یعنی عربی همگام با فاتحان به سراسر منطقه رخنه کرد. هنر اعراب در زبان ایشان بود و نه در نقاشی و مجسمه‌سازی یا معماری. و هنر در بین آنها چندان رونقی نداشت. چیرگی سپاهیان اسلام بر جهان، ایشان را با پیشه و هنر آشنا ساخت. سرزمین‌هایی که سپاهیان اسلام فتح کرده بودند از وجود صنعتگران و هنرمندان مصری و رومی و یونانی و ایرانی بهره‌مند بود که هر یک سنت هنری صدساله داشتند. در نتیجه تماس و ارتباط این صنعتگران با یکدیگر هنرشان نیز باهم پیوند خورد به شیوه و سبکی تبدیل شد که امروزه آنرا هنر اسلامی می نامیم.

تیتوس بورکمارت هنرشناس مسلمان در زمینه معنی و هدف غائی هنر در اسلام چنین می گوید: معنی و هدف غائی هنر در اسلام ساختن و پرداختن اشیاء مطابق با فطرت آنهاست که بالقوه زیبا است. در واقع جوهر هنر زیبایی است و از دیدگاه اسلام کیفیتی ملکوتی دارد. هنر اسلام حاصل ترکیب حکمت با فن یا صنعت است و خود نشان دهنده ترکیب دو بعد عادی و معنویست. برای بررسی هنر اسلام باید این دو بعد را از یکدیگر جدا کرد و هر یک را مورد بررسی قرار داد.

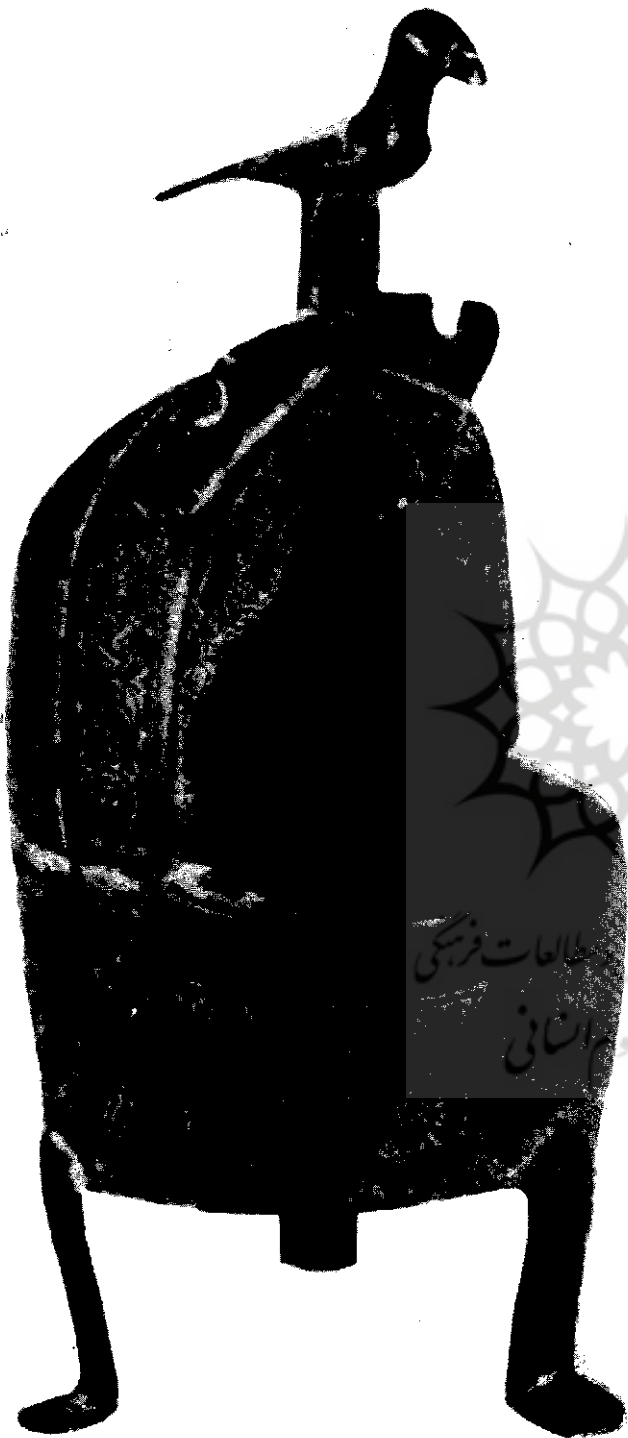
دوران سلجوقی از نظر تاریخ و مذهب و هنر

ترکان سلجوقی از طوایف چادر نشین و صحرا گرد ترکمن بودند که از نواحی قوقیز واقع در آسیای مرکزی مهاجرت نمودند و در فلات ایران سکنی گزیدند و توانستند حکومتی نیرومند ایجاد کنند که ایران و بین النهرین و آسیای صغیر را در بر می گرفت حکومت آنها

در افغانستان تا پایان سده یازدهم میلادی برابر با قرن پنجم هجری ادامه داشت و همچنین بر هندوستان نیز تسلط یافتند.

سلطنت سلاجقه بزرگ در ایران از اواخر سال ۴۲۹ هجری که طغرل بیک نیشابور را فتح نمود آغاز میشود و تا مرگ سلطان سنجر در سال ۵۵۲ هجری ادامه می یابد. لیکن نفوذ هنر و صنایع آنها تا زمان مغول همچنان باقی بود.





سلاجقه از پیروان مذهب سنت و اجتماع بودند. در این زمان گرچه مذهب شافعی پیروان زیادی داشت اما مذهب رسمی کشور محسوب نمی شد.

سلجوقیان قبل از تسلط بر ایران با تمدن، صنعت، هنر و معماری غزنویان آشنائی داشتند و از اینرو سلاطین سلجوقی همواره خود را حامی و مشوق هنر و صنعت و انمود می کردند و بسیاری از شاهکارهای صنعتی و معماری ایران در دوران حکومت آنان و دوره های بعد از آن تحقق یافته است.

عده ای از مورخین معتقدند که در سال های اخیر بود که به ارزش صنایع سلجوقی پی برده شد. معماری اسلامی ایران در زمان سلجوقیان به نهایت درجه خود رسید و بعضی از صنایع دیگر نیز مانند سفال سازی و نساجی و فلزکاری به درجه ای لوتقاء یافتند که در طول تاریخ ایران، نظیر آن کمتر دیده شده است. اما آنها در سالیان اخیر بود که به ارزش صنایع سلجوقی پی برده شد.

از قرائن و شواهد موجود چنین استنباط میشود که اصفهان سالها پیش از سلطه سلجوقیان بر آن، مرکز تجارت و هنر و صنعت بوده است. و احتمالاً به همین دلیل سلجوقیان ایران این شهر را پایتخت خود قرار دادند. کاخ سلجوقیان در اصفهان و میدان بزرگ مقابل آن سالهاست که از بین رفته اند. ولی مسجد جامع اصفهان آن هم مشرف به همان میدان بوده هنوز پابرجاست و ساختمان آن با مساجدی که قبل از آن ساخته شده اند تفاوت دارد، و مساجدی که پس از آن ساخته شدند از الگوی این مسجد تأثیر پذیرفته اند.

در بررسی تاریخ سلسله سلجوقی باید از خواجه نظام الملک وزیر آلب ارسلان و ملکشاه نام برده شود که نقش مهمی در پیشرفت معماری و صنعت آن عصر بر عهده داشته است او یکی از معروفترین وزراء و سیاستمداران مشرق زمین بشمار میرود و به دلیل عدالت و حسن تدبیری که در اداره امور مملکت داشت علاقه زیادی به معماری و صنایع نشان میداد. در این عصر صنعت و معماری نه تنها در ایران احیاء گردید بلکه بر اثر فتوحات سلاجقه اصول

صنایع ایران تامهرو سوره نیز گسترش یافت که تأثیر آنرا تا قرن‌ها بعد در صنایع ایندو کشوری توان مشاهده نمود.

بیا آنکه پس از گسترش اسلام در ایران یک هنر اسلامی بوجود آمد اما باید به این مطلب نیز اشاره کرد که این هنر از همان قرون اولیه هجری یعنی همزمان با فرمانروایی سامانیان و آل بویه و حتی سلجوقیان تحت تأثیر هنر ساسانی بوده و بعداً رنگ اسلام بخود گرفته و در زمان سلجوقیان به اوج ترقی خود رسید. هنر سلجوقی که باید آنرا یک هنر اسلامی ایرانی دانست آنچنان ترقی یافت که الگویی برای هنرهای ادوار بعد شد این الگو یاسبک را سبک یاروش سلجوقی می نامند.

سبک و روشی بوجود آمد که دارای ممیزات خاصی است در این روش اشکال موجودات جاندار که تقلیدی از طبیعت است بکار رفته، آثاری که از این روش باقی مانده آثاری است که امروزه منسوب به آسیای صغیر و ارمنستان و دبار بکرو موصل و شام می باشد.

سلاجقه در ایران و آسیای صغیر و عراق حامی و مروج صنایع و فنون بودند نه مبتکر و یا بدعت گذار صنایع. شاید بدین دلیل که آنها در سراسر کشور اسلامی از مهارت و هنر بومیان استفاده میکردند، با این وجود در این دوره روش خاص و مستقل بوجود آمد و مورد تشویق امراء و سلاطین قرار گرفت.

در این زمان مدارس زیادی ساخته شد که خود تأثیر زیادی در طرز ساختمان مساجد نیز داشت زیرا ایرانیان توانستند در بنای مساجد و مدارس تحولی بوجود بیاورند و این سبک نیز از ایران به سایر کشورهای اسلامی انتقال یافت. در این عصر استفاده از کاغذ رایج گردید. و در بعضی موارد از پوست هم استفاده میشد. از جمله چیزهایی که به سلاجقه منسوب شده سبک و روشی است در نقاشی اسلامی که بیشتر اوقات آنرا روش عراقی یا بغدادی گویند ولی سزاوارتر است که این روش را روش عربی دانست تا عراقی یا ایرانی زیرا خط کوفی در آن بکار رفته است.

در این دوره فلزکاری و ساختن مصنوعات ظریف فلزی رایج بود بویژه استان خراسان در هنر فلزکاری مقام

ممتازی راداشته است. در دوره سلجوقی یعنی در دوقرن پنجم و ششم هجری خراسان به ساختن مصنوعات و تحف فلزی با حواشی و خطوط معروف است. صنعت سفالگری در این دوره نقش بسزایی داشت باید گفت که صنعت کاران شهری در کار خود بدرجه ای از پیشرفت نایل شدند تا آن حد که در قرن ششم هجری موفق به ساختن سفالهای مینیایی گردیدند.

در دوره سلجوقی صنعت قالی بافی رونق فراوان گرفت بخصوص اینکه این قبایل چادرنشین در هنر قالی بافی بسیار مهارت داشتند، ولی جای تأسف است که اثری از آن باقی نمانده است جز قطعه‌هایی که از قوینه بدست آمده و اکنون در موزه استانبول نگاهداری میشود.

اشاره به این مطلب ضروری است که دوران سلجوقی نه تنها عصر طلایی و پیشرفت فنون و صنایع محسوب میشود بلکه در زمینه‌های دیگر هنری و فرهنگی همراه با پیشرفتهای فراوان بوده است.

فلزکاری دوران اسلامی

از زمانی که بشر فلز را کشف کرد و با خواص آن آشنا شد اهمیت آنرا در ساختن ظروف و سکه و اشیای ضروری دیگر دریافت. تا قبل از آن بشر از سفال استفاده میکرد. ولی به دلیل نداشتن استقامت و استحکام دائمی سفال، فلز جایگزین آن شد، زیرا تنها ماده‌ای بود که می توانست این کمبود را جبران کند و جانسین سفال گردد. و از اینرو از زمان استفاده از فلز بهترین سندهای تاریخی بوجود آمده اند.

صنعتگران ایران قبل از اسلام در ساختن اشیاء فلزی مهارت داشتند و این مهارت را بعد از آنکه ایران جزء کشورهای اسلامی شد حفظ کردند و آثار نفیسی از آنها بجای ماند ابن فقیه همدانی که در قرن سوم هجری می زیست درباره مهارت ایرانیان در ساختن ادوات فلزی چنین می گوید: (ایرانیان در ساختن ادوات ظریف و زیبا از آهن تفوق و استادی شایان تقدیری دارند و برخی از حکما که بعضی از اشیاء ظریف فلزی ساخت ایران را



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نزد پادشاهانی دیده‌اند می‌گویند خداوند عالم آهن را برای این ملت نرم آفرید و به اختیار آنها درآورد تا آنچه خواستند از آن ساختند و این ملت استادترین و داناترین ملل هستند و به ساختن غل و قفل و آئینه و ساختن شمشیر وزره و جوشن)

وقتی که ارو پائیان خلایق هنری خود را بر روی پیکره و مجسمه سازی با فلز متمرکز می‌کردند ایرانیان مسلمان گامی فراتر نهادند. آنها بنا بر اعتقادات مذهبی ساختن مجسمه و پیکره را صحیح نمی‌دانستند و در ضمن هنوز در صدر اسلام هنرمندان نتوانسته بودند افکار گذشته را فراموش کنند و از طرف دیگر با آمدن دین مبین اسلام و ایمان اعتقادی که ایرانیان به این دین داشتند نمی‌توانستند از تحریمات مذهبی چشم‌پوشی کنند. نتیجه این مشکل برای عده‌ای دست کشیدن از کار آفرینش هنری بود ولی عده‌ای از هنرمندان ایرانی با استفاده از تصوف و عرفان، هنر فلزکاری را ادامه دادند. فلزکاران ایرانی در اندیشه پیدا کردن رمزهای تازه‌ای برای بیان احساس خود بودند و پس از جستجوی این رمزها را در اسلام یافتند. هنرمندان ایرانی عالی‌ترین حدزیبایی هنر فلزکاری را به خط عربی بخشیدند و با استفاده از خط کوفی و زیبایی یک یک حروف و قدرت و عظمت این خط، ظروف فلزی زیبایی خلق کردند که نشان‌دهنده خلایق هنری است که ایرانیان نه حد کمال از آن بهره‌مند بودند، این روش در طول تاریخ باقی بود به استثنای دوره مغول.

ایرانیان ابداع‌کننده خط عربی نبودند ولی به اندازه‌ای در این کار استادی نشان دادند که صنایع ایران تا خارج از مرزهای کشور برده شد. و با مهارت زیاد و با ظرافت خاصی خطوط عربی را بر روی فلز حکاکی کردند و با خطوط و نقوشی که از اجزاء بزرگ به کوچک و از کوچک به بزرگ مرتبط گردید و طرحهای اسلیمی و قلاب درهم که از آغاز ساده بود و بعدها به صورتی پیچیده‌تر و پرمعنی درآمد بتدریج هنرمندان در زمینه کار خود احساس اطمینان کردند و با وضوح بیشتر به ماهیت و خواص وسیله بیانی تازه‌ای که پیدا کرده بودند

پی بردند.

بعدها به دووحتی سه نوع نقش مشخص برمی‌خوریم که هر کدام طرح مخصوصی به خود دارد ولی با این همه به انواع دیگر بستگی دارد و معانی تازه‌ای از آن درک میشود که به سبب نزدیکی با خطوط نرم نوع قبلی به وجود می‌آید. چنانکه در وهله اول ظرافت و روش خاص آن به چشم نمی‌آید ولی بر اثر دقت بیشتر و جدا کردن خطوط درهم از یکدیگر می‌توان به خصوصیت منفرد آن پی برد.

اسلام تأثیر بسزایی در افکار هنرمندان داشت و آن حالت عرفان و روحانیت که در دین اسلام وجود دارد در آثار هنری هنرمندان بعد از اسلام بخوبی مشهود است که در بیشتر آثار آنها می‌توان نام (الله) را مشاهده کرد.

هنرمند در این دوره به پیروی از افکار عرفانی و اسلامی آزادی کامل داشت. بجا آوردن فرایض دینی، در تسخیر روح هنرمند و تأثیر آن در آثار هنریش، کاملاً مشهود است، منظره یک شمع‌دان ساده و یا یک کاسه منقوش که نقوش دیوارهای عظیم مساجد را بصورت کوچکتری نشان میدهد یک لذت روحانی در شخص برمی‌انگیزد و افکار او را متوجه سفر ابدی می‌سازد. نمونه‌های بسیاری در دست است که بهترین کارهای تزئینی ایرانیان بازتاب تأثیرات مذهبی و در ضمن کلیدی برای ادراک عمیق روحی آنها بوده است. به همین دلیل یکی از خصوصیات کارهای مفرغی و برنجی ایرانیان آن است که فلزکاران به هنر تزئینی اسلامی توجه داشتند و افکار خود را در اشیاء مورد استفاده روزانه مانند جام و لگن و هاون با استادی و مهارت و ظرافت خاص در آثار فلزی خود نشان دادند.

ترصیح و تزئین ظروف و زینت آلات فلزی و آرایش آنها بطرز سیاه‌قلم و یا صورت‌های مختلف صنعتی متعلق به دوران ساسانی است که در دوره اسلامی به زیبایی و کمال می‌رسد و همانطور که قبلاً اشاره شد در این ظروف از خطوط عربی و همچنین از نقوش انسان و حیوان و یانقش‌های هندسی و اسلیمی استفاده شده است. از آنجا که در شرع مبین اسلام استفاده از ظروف طلا و نقره

منع گردیده است. هنرمندان سعی داشتند با ساختن اشیائی از قبیل جای دعا و جاقرآنی و زینت آلات، هنر خود را عرضه کنند که هم سنت و رسوم قدیمی را حفظ کرده و هم از قواعد و قوانین دین و مذهب سرپیچی نکرده باشند و در عین حال یک هنر کامل اسلامی ارائه نموده باشند. ساختن اشیاء و ظروف با نقش برجسته یکی از انواع تزییناتی است که در قرون اولیه اسلام معمول بود. به این ترتیب که نقوش و یا کلماتی را که برای تزیین شیئی در نظر می گرفتند قبلاً از فلز دیگری تهیه می کردند و سپس آنرا روی ظروف و یا شیئی مورد نظر الصاق می نمودند. نمونه جالب این کار یک جا دعایی است متعلق به موزه ایران باستان که با نقشه زراندود شده و بشکل استوانه ای است که در دو طرف دو دریچه محذب دارد. روی دریچه ها نقوش شاخ و برگ برجسته بطرز سیاه قلم دیده میشود. بر دیواره جادعا سوره توحید (قل هو الله احد) برجسته در چهار سطر الصاق گردیده است. در قسمت فوقانی جادعا جای چهارگیره برای گذراندن زنجیر و یا نخ جهت آویختن از گردن وجود دارد که سه گیره بر روی رفته و اکنون فقط یکی از آن ها باقی مانده است (شکل ۱) این شیئی ضمن حفاری از تیشابور بدست آمده است.

در پایان می توان گفت مردم ایران مخصوصاً در برابر رنگ ها نوروزیایی های ساده طبیعت حساس هستند ولی هیچکدام از آنها را نمی توان به آسانی در هنر فلزکاری نشان داد. فلزکار ایرانی نمی توانست از هماهنگی زمینه ماهرانه ای که بافندگان و نقاشان و بالعبای جواهرمانندی که سفالگران در اختیار داشتند استفاده نماید. ولی همانطور که گفته شد هنرمند فلزکار ایرانی با مهارت و استادی خاص خود توانست آثار پرمغز و پرمعنی و زیبایی ارائه کند که بعد از سالها هنوز پابرجا مانده و به عصر حاضر رسیده و از همان کمال و قدرت و زیبایی پیشین برخوردار است.

هنر فلزکاری دوران سلجوقی

فلزکاری در دوره سلجوقی با حفظ ابهت و جلال و ظرافت خاص دوره ساسانی، جنبه های هنر اسلامی را نیز در بر دارد و حمایت و تشویق سلاجقه در تعالی این هنر موثر واقع شد. آثار باقی مانده از این دوره تعدادی ظروف برنزی دارای مظاهر قوی است. همچنین ظروف دیگری از زروسیم است که تزیینات و اشکال دقیقی در سطح طلایی آن ها جلب نظر می نماید و این مجموعه هنر نشان دهنده پیشرفتی است که از هنر اسلامی نشأت گرفته است. در مجموعه های خصوصی و موزه های عمومی تعداد زیادی از این آثار نفیس موجود است که شامل تعدادی جام و عروسکها و جعبه های کوچک و بخوردان ها و ابرق ها و سایر ادوات فلزی از قبیل برگ وزین اسب است، تمام این آثار مزین به اشکالی از حیوانات و پرندگان است که یکی از خصوصیات صنایع و فنون ایرانی است بعلاوه دارای خطوط زیبایی کوفی و تصاویر انسانی نیز می باشد.

صنعتگران فلز ساز در ساختن اشیاء فلزی از اقسام و انواع روش های صنعتی استفاده می کردند. تعدادی را با فن قلمزنی و برخی دیگر را بصورت برجسته تزیین می نمودند و بعضی دیگر رابطه نزدیکی با روش (نیلو) داشتند، بدین معنی که شکلهای مختلف را بر روی لوحه های نقره و یا نقره آمیخته به طلا کنده کاری می کردند و سپس درون آن گودبهارا با آمیخته ای از مس و سرب و بورق و گوگرد و نشادر پرمی کردند و حرارت زیادی به آن داده و پس از سرد شدن این ماده را صیقل می دادند و آنرا با ماده ای سیاه رنگ و یا رنگهای مختلف دیگر مثبت می کردند بدین ترتیب اشکال و تزیینات بطور واضح تر و روشن تری بیان میشد و در آثار برجسته تزییناتی با زرومینا بکار می بردند.

روش تزیینی که در آثار فلزی این دوره بود یک سبک جدیدی را در موصول و دیار بکر و ایران بوجود آورد که در نیمه قرن ششم هجری به منتها درجه ترقی و کمال خود رسید، این روش عبارت است از منطبق کردن برنز و مس که با نقره و طلا آنرا نشان می کردند. مطابق و مرصع کردن و ترکیب و یا زرنشان و نقره نشان کردن یکی از روشهای



موسسه مطالعات و تحقیقات
پژوهشی
مجمع علوم انسانی

مهم تزینی است که درآلات وادوات فلزی بکار گرفته میشود و طریقه اش به این نحو بود. شکل های مورد نظر را روی فلز یا چوب که برای همین کار منظور شده بود حک می کردند و سپس محل حک شده را با فلز گرانبھاتری پر می کردند و به این ترتیب اشکال بر روی سطح آن اثر صنعتی ظاهر میشود.

صنعتگران ایران و بین النهرین با یکدیگر تماس داشتند و آثار آنها را نمی توان از یکدیگر تمیز داد مگر اینکه بر روی آثار نوشته (ساخت موصل) حک شده باشد و هر دو منطقه از یک روش و سبک خاص پیروی می کردند. تزینات منبت و مطبق که بر روی این آثار نمایان است عبارت از حواشی مملو از شکل های دقیق حیوانات و بعضی دیگر خطوط بسیار زیبای عربی و گاهی تصاویر اشخاص کوتاه قد با عامه و لباس های عربی و در حواشی آن مناظر شکار و طبیعت و پهلوانی های دیده میشود.

قطعه های فلزی وجود دارد که دلالت بر رونق و پیشرفت این صنعت در مشرق ایران بخصوص هرات می کند ولی شهرهای دیگری مانند اصفهان و همدان و شیراز نیز در این صنعت شهرت بسزایی دارند در این دوره فلزکاری و ساختن مصنوعات و ظروف فلزی به اوج خود رسید و رونق و رواج زیادی یافت. استان خراسان مقام ممتازی در صنعت فلزکاری داشته و شاید بدین دلیل باشد که این استان در زمان ساسانیان یکی از بزرگترین مراکز تحفه ها و ظروف برنزی بود و روش تزین آنها در آن زمان مطابق با روش ایران قدیم زمان ساسانی بوده است. بعضی از این آثار در موزه ها موجود است و بر روی آنها نقشها و سبک های هنری ماقبل اسلام دیده میشود ولی بعضی و یزگیهای مربوط به دوران بعد از اسلام به آنها اضافه شده است که فقط کارشناسان می توانند به آن پی ببرند، این اشیاء نشان دهنده آن است که صنعتگران هنوز سبک و روش دوره ساسانی را از دست نداده و از آن پیروی می کردند.

همانطور که گفته شد در دوره سلجوقی یعنی در دو قرن پنجم و ششم هجری (برابر با یازدهم و دوازدهم

میلادی) خراسان به ساختن آثار و مصنوعات فلزی مشهور و معروف است. مخصوصاً مس و نقره که غالباً این ظروف و آلات فلزی به حواشی و خطوط مزین میشود. در این زمان صنعت طلا کوبی برای تزئین ظروف فلزی به اوج خود رسید. موصل بزرگترین شهر و اولین مرکز صنایع ظریف کاری فلزی و طلا و نقره کوبی محسوب میشود. و در طلا کوب کردن ظروف و آلات فلزی این شهر شهرتی بسزیا یافت و هنرمندان به آنها یک نوع زیبایی و ابداع بخصوصی داده اند. علت تزئین فلزات با طلا و نقره این بود که در شریعت اسلام ساختن ظروف تمام طلا و یا تمام نقره ممنوع و حرام است و کراهت دارد در نتیجه هنرمندان ظروف فلزی را به مس و برنزی ساختند و همانطور که گفته شد با طلا و نقره روی آن را تزئین می کردند.

مکتب موصل تأثیر زیادی در صنعت فلزکاری در سایر نواحی کشور اسلامی گذاشت و عده ای از هنرمندان این شهر به قاهره و حلب و بغداد و دمشق مهاجرت کردند و این سبک و روش را نضج دادند.

با آنکه هنر فلزکاری اوایل قرن سیزدهم میلادی مدیون هنرمندان ایرانی بود. اما سبک مستقل دیگری بنام سبک موصلی پایه عرصه وجود گذاشت و تعداد بیشماری از کارهای فلزی دو پوسته را که در شمار زیباترین و کامل ترین آثار هنری فلزکاری اسلامی قرار دارند بوجود آورد. بررسی کارهای هنری موصل به مراتب دشوارتر از آثار دمشق است. برخی از ظروف مسی و نقره کاری متعلق به اوایل قرن سیزدهم میلادی را می توان سبک موصلی دانست و بر روی آنها امضاء سازنده دیده میشود. تعدادی از این آثار بنام بدرالدین لولو از اهالی موصل است. فن موصلی یاقن دو پوسته تا زمان ایوبیان به حیات خود ادامه داد.

گرچه نمونه های زیادی از آثار مرغی و مسی دوره سلجوقیان به جای مانده ولی این آثار بیشتر در نقاط مختلف پراکنده شده اند و هنوز راجع به صنعت فلزکاری سلجوقیان مطالعه کامل صورت نگرفته و کتاب جامع و مفیدی در این زمینه به چاپ نرسیده است و اصولاً تعیین



تاریخ اشیایی که از نقاط نامعلوم بدست می آیند کار بسیار مشکلی است.

فلزکاری ایندوره ترکیبی است از مس و مفرغ و نقره و ترصیع کاری که در تصاویر و کتیبه های ایندوره ترقی و افسری نموده برای مثال در موزه ارمیتاژ

یک کتری مسی موجود است که با خط کوفی روی آن نقره کوبی شده و در موزه تاریخی استکهلم سوئد جام نقره شکلی نگهداری میشود که با نوشته کوفی تزئین شده و دسته آن از مفرغ ساخته شده است.

بطور کلی اغلب کارهای مفرغی این دوره با نقره آرایش شده اند و نقوش روی آنها عبارت است از تصاویر انسان در حالات مختلف (ایستاده و نشسته و یابزانو) همچنین طرحهایی از برگ و گل در اطراف نقوش انسانی

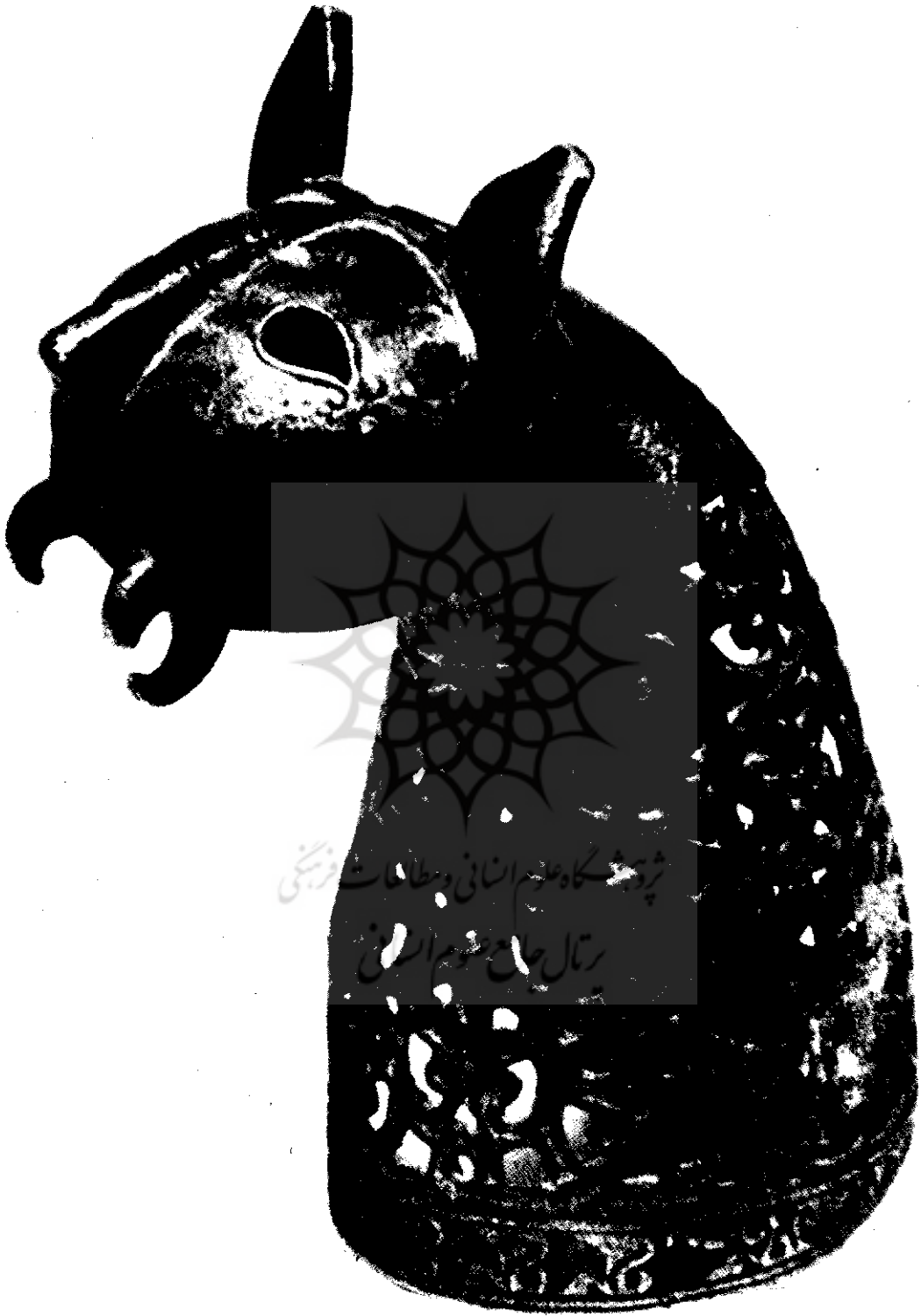
نقره کوب شده است و همین روش در کتیبه های حاوی خطوط کوفی بکار رفته است. یکی از ویژگیهای فلزکاری دوران سلجوقی همین کتیبه های ظریف کوفی است.

با آنکه آثار زیادی از دوره سلجوقی در دست نیست کارهای مفرغی ایندوره دارای اشکال و طرحهای متنوعی هستند از جمله شمعدانهای کوتاه و سنگین که بر روی آن اشکال پرندگان و نقشهای دیگر بصورت برجسته حکاکی شده و شمعدانهای بلند و استوانه ای شکل بصورت مشبک. گرچه نقره در زمان سلجوقیان به حد وفور وجود داشت تعداد کمی از اشیاء نقره باقی مانده است. گفته میشود کارگری که مشغول حفر زمین در شهرری بوده تعدادی ظروف نقره زمان سلجوقی بدست می آورد که به غیر از یکی دو عدد بقیه

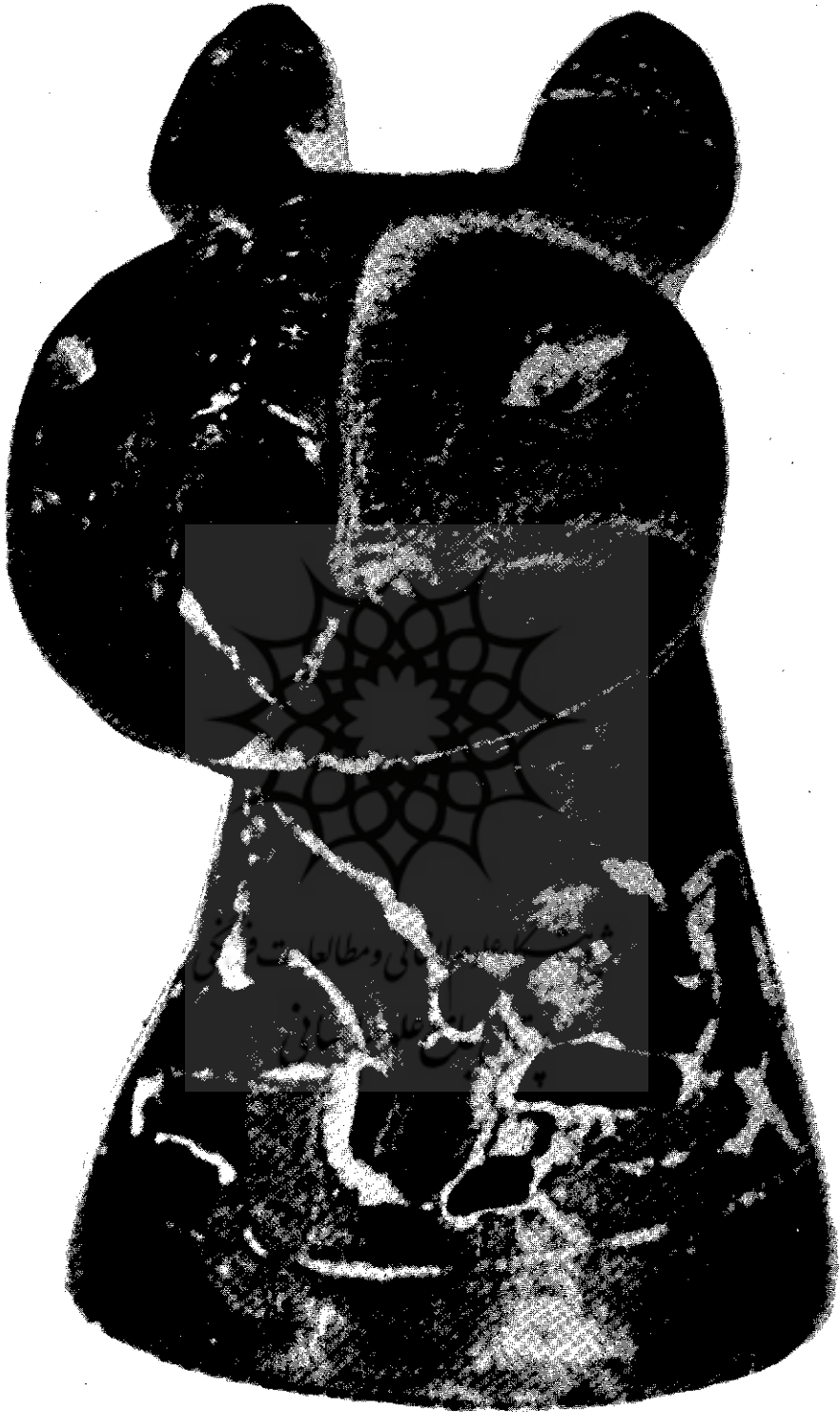


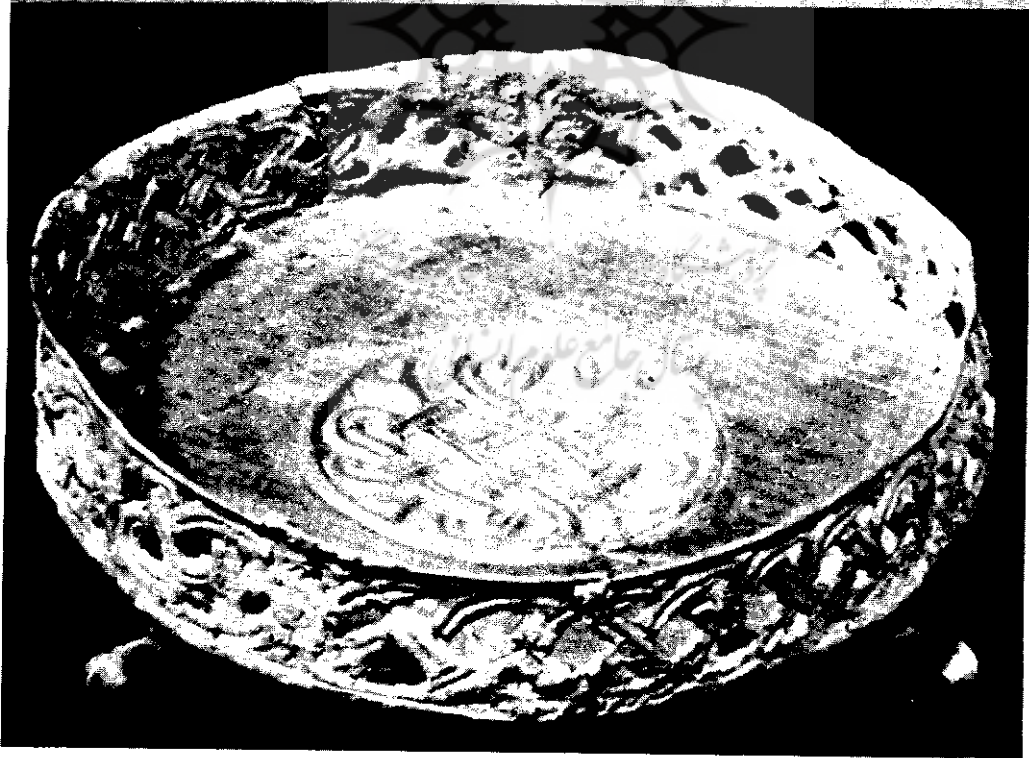


پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مجمع علوم انسانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رساله جامع علوم انسانی





آنها ذوب می‌کند و می‌فروشد. احتمالاً کارهای صنعتگران دوره سلجوقی به این ترتیب از بین رفته است. از اینرو آثار زیادی باقی نمانده‌اند تا بتوان مطالعه دقیقی روی آنها انجام داد. ولی اشیاء نقره‌ای موجود از اشکال متنوعی برخوردارند که می‌توان از جمله آنها قاشق و گلاب پاش و کمر بند و زینتهای براق و فنجان و بطری و سینی و آفتابه و لگن و زنجیرهای ظریف را نام برد.

بزرگترین ظرف نقره‌ای سلجوقی سینی آلب ارسلان است که فعلاً در موزه بستان نگاهداری میشود این سینی هدیه‌ای است که ملکه به پادشاه تقدیم کرده و تاریخ ساخت آن مربوط به سه سال بعد از جلوس آلب ارسلان است. اسم شاه و ملکه با تمام القاب آنان و اسم سازنده آن که به (حسن الکااشانی) موسوم است با خط قشنگ کوفی بیک اندازه نوشته شده است. شکل سینی بصورت مدور است و در وسط آن کتیبه‌ای بسیار عالی بخط کوفی حک شده کلیه نقشها با دست رسم شده‌اند. این سینی بهترین نمونه صنعت فلز سازی عصر سلجوقی است.

همانطور که گفته شد ترصیع اشیاء فلزی در این دوران به درجه کمال خود رسید و از این صنعت اشیاء مختلف باقی مانده است که طرز ساخت و تکنیک آنها بایکدیگر کاملاً تفاوت دارد، برای تزیین مفرغ با فلزاتی چون مس و نقره اول ششی مورد نظر را با وسایل مخصوص به شکل دلخواه خود گود می‌کردند سپس نقاط کنده شده را با فلز مورد نظر پرمی کردند.

نمونه‌هایی از اشیاء فلزی عصر سلجوقی

یک نمونه از آثار زیبای این دوره پایه شمعدان مفرغی (در موزه ایران باستان) بشکل ۹ ضلعی است که بدنه آن با اشکال هندسی پنج ضلعی بطور مستقیم و معکوس نمایش داده شده و درون هر شکل بانقوش مختلف نقره کوب گردیده است.

نمونه دیگر آثار مفرغی این دوره آفتابه و لگن است که از بسوزنج و همدمان بدست آمده کلیه

سطوح داخلی و خارجی لگن مفرغی به اشکال و صور متنوع نقره کوب شده‌اند. تزیین دیوار خارجی چهار طرح دایره‌ای شکل دارد.

در حد فاصل دوا بر آن نمایی هدیه بدست حرکت می‌کنند و در دست یکی از آنها ششی به شکل جعبه و یا کشکول است که روی آن نام (علی ابن حمود الموصلی) سازنده آن حک شده است. در لبه خارجی و داخلی و پائین لگن عباراتی بخط ثلث و نسخ حک شده است کف لگن به شکل ۶ ضلعی که هر ضلع شکل نورا است تزیین یافته است.

آفتابه مفرغی نقره کوب شده با دسته هر لوله که دسته آن افتاده است طرز ساخت آفتابه عین لگن است که در بالا گفته شد. نکته جالب نام سازنده آن است که بر روی گردن آفتابه حک شده است. (حمود الموصلی)

اگرچه هنر فلز کاری در دوره‌های بعد بخصوص در زمان صفویه ترقی زیادی کرد ولی هنر فلز کاری و همچنین نقره کوبی دوران سلجوقی را در هیچ یک از دوره‌های بعد نمی‌توان مشاهده کرد و باید گفت اوج هنر فلز کاری در دوران سلجوقی بوده است.

صنایع ایران بعد از اسلام تألیف دکتر محمد زکی حسن ترجمه محمد علی خلیل تاریخ تمدن ایران تألیف تعدادی از دانشمندان ترجمه جواد محبی هنر مردم (شماره ۱۵) تألیف پروین برزین تاریخ صنایع ایران تألیف دکتر ج کریم و بیس ترجمه عبدالله فریاد

تاریخ هنر اسلامی تألیف کریمتین پرایس ترجمه مسعود رجب‌نیا سیری در هنر جهان اسلام تألیف ارنست گروبه